

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/11/06



موضوع: احکام اموات/تحنيط ميت /شرایط کافور

سید یزدی نسبت به شرایط کافور می‌فرماید: «یشترط في الكافور أن يكون طاهرا مباحا جدیدا فلا يجزي العتيق الذي زال ريحه و أن يكون مسحوقا^[1]» کافور باید طاهر باشد که توضیح آن بیان شد؛ شرط دیگر آن این است که مباح باشد و اگر نه از باب ممنوع بودن تصرف در مال غیر جایز نیست و شرط سوم آن این است که جدید و نرم شده باشد و کافور کهنه که بویش از بین رفته کافی نیست.

شیخ مفید در کتاب مقنعه، ص 11 و شیخ طوسی در کتاب مبسوط، ص 176 و محقق حلی در کتاب معتبر، ج 1، ص 86 و همین طور در کتاب شرایع، سحق و نرم شده بودن را در باره‌ی کافور اعلام کرده اند که خود آراء آنان می‌تواند زمینه باشد برای اشتراط مسحوق بودن کافور.

روایتی هم که در اختیار ماست، همان معتبره یونس است که در آن آمده: «ثم اعمد إلى كافور مسحوق فضعه على جبهته موضع سجوده^[2]» و از فقها شیخان و حلیان (فاضلان) محسوق بودن آن را اعلام کرده اند.

سید یزدی در مسأله‌ی شماره یک می‌فرماید: «لا فرق في وجوب الحنوط بين الصغير و الكبير و الأنثى و الخنثى و الذكر و الحر و العبد نعم لا يجوز تحنيط المحرم قبل إتيانه بالطواف كما مر و لا يلحق به التي في العدة و لا المعتكف و إن كان يحرم عليهما استعمال الطيب حال الحياة^[3]».

اطلاق ادله همانند معتبره یونس و حدیث شماره 6 باب 16 از ابواب تکفین کتاب وسائل، شامل صغیر و کبیر می‌شود.

زنی که در حال عده است از استعمال بوی خوش ممنوع است؛ ولی وقتی که از دنیا می‌رود محلق به محرم نمی‌شود و همین طور است معتکف که یکی از محرمات بر او استفاده از بوی خوش است و او هم استثنا نشده است.

حرمت و حرمانی که در مورد آن دو می‌باشد، در حال حیات است؛ اما برای محرم که قبلاً هم شرح داده شد، در روایت آمده که در حال ممات هم از بوی خوش استفاده نشود و نص خاص در مورد او آمده و محرمی که در حال احرام از دنیا رفته با موت از حالت احرام خارج نمی‌شود و خروج از احرام با انجام طواف صورت می‌گیرد.

محقق ثانی در کتاب جامع المقاصد، می‌فرماید: «ولا تلحق به المعتدة لأن وجوب الحداد للتفجع بالزوج وقد زال بالموت ، ولا المعتكف وإن حرم عليه الطيب حيا لعدم النص ، وزوال التكليف بالموت المقتضي لسقوط حكم الاعتكاف وغيره [4] .»

سید یزدی در مسأله‌ی شماره دو می‌فرماید: «لا يعتبر في التحنيط قصد القربة فيجوز أن يبشره الصبي المميز أيضا [5] .»

قصد قربت در تعبدیات است؛ امّا تحنيط یکی از اعمال توصلی است و بوی خوش برای زدودن بوی ناخوش و توصلی است؛ لذا الزامی ندارد؛ ولی منافاتی هم با قصد قربت ندارد.

سید یزدی در مسأله شماره سه می‌فرماید: «يكفي في مقدار كافور الحنوط المسمى و الأفضل أن يكون ثلاثة عشر درهما و ثلث تصير بحسب المثاقيل الصيرفية سبع مثاقيل و حمصتين إلا خمس الحمصة و الأقوى أن هذا المقدار لخصوص الحنوط لا له و للغسل و أقل الفضل مثقال شرعي و الأفضل منه أربعة دراهم و الأفضل منه أربعة مثاقيل شرعية [6] .» در حنوط آنچه که واجب است و کفایت می‌کند، مسمی است و با صدق اسم امتثال محقق می‌شود.

علامه حلی در کتاب تذکره صدق اسم را اعلام کرد و علامه حلی هم این مطلب را بیان کرد.

نصوصی که در آن دراهم و مثاقیل آمده، مستحب اند و بر افضلیت حمل شده اند.

سیدنا الاستاد می‌فرماید: مقدار زیادی را که مصرف می‌کنند، باید براساس رجاء باشد؛ چون سند روایات آن ضعیف اند.

محقق ثانی می‌فرماید: روایات مختلف را وقتی در نظر بگیریم، مراتب حمل بر استحباب می‌شود؛

شیخ مفید در کتاب مقنعه و علامه حلی در کتاب معتبر، دراهم را حمل بر صحت نموده اند: «أقل المستحب من «الكافور» للحنوط درهم، و أفضل منه أربعة دراهم، و أكمل منه ثلاثة

عشر درهما و ثلاث، كذا ذكره الخمسة و أتباعهم. ثم لا أعلم للأصحاب فيه خلافا، و قد سلف من الأحاديث ما يتضمن ذلك و الكلام عليها. [7]»

در اين زمينه رواياتي هم داريم كه برخي صحيح اند و به تعبير برخي از فقهاء، مصححه اند.

نكته‌ي رجالي

روايت صحيح روايتي است كه تمام راويان آن امامي موثق اند.

روايت مصححه روايتي است كه تمام راويان آن امامي اند؛ ولي يك راوي آن مثلا. توثيق خاص ندارد؛ اما مدح دارد و اصحاب هم بر طبق آن روايت عمل کرده اند.

سيد يزدی در مسأله‌ي شماره چهار می‌فرماید: «إذا لم يتمكن من الكافور سقط وجوب الحنوط و لا. يقوم مقامه طيب آخر نعم يجوز تطيبه بالذرية لكنها ليست من الحنوط و أما تطيبه بالمسك و العنبر و العود و نحوها و لو بمزجها بالكافور فمكروه بل الأحوط تركه [8].»

شيخ طوسي در خلاف، می‌فرماید: «الحنوط فرض مع القدرة ... دليلنا اجماع الفرقة [9]» اگر قدرت نبود واجب نیست.

در اين رابطه علامه حلي در كتاب تذكره، می‌فرماید: «لا يقوم غير الكافور مقامه عندنا وسوغ الجمهور المسك، وقد بينا أنه كالمحرم ... لو تعذر الكافور سقط الحنوط، لعدم تسويغ غيره. [10]» غير از كافور بوي خوش ديگري تجويز نشده است.

سیدنا الاستاد می‌فرماید برای غير كافور دليل نداريم.

[1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 317.

[2] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 32، أبواب التكفين، باب 14، ح 3، ط آل البيت.

[3] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 317.

[4] جامع المقاصد، المحقق الثاني (المحقق الكركي)، ج 1، ص 398.

[5] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 317.

[6] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 318.

[7]المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلي، ج 1، ص 286.

[8] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 318.

[9] الخلاف، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 708.

[10] تذكرة الفقهاء، العلامة الحلي، ج 2، ص 18.